

نقد شناخت

نگاهی به کتاب جوانه نقد/گزیده‌ای از آثار دانش‌آموزان منتقد

● روح‌اله مهدی پور عمرانی

منتقد ادبی rm_omrani@yahoo.com

چکیده

نقدنویسی یکی از انواع رفتار اندیشیدن و نوشتن است. یک نوع مهارت است. فن است. هنر است. هر دوی این‌هاست. آموختنی است. باید این توانایی را در انسان‌ها به‌وجود آورد. تربیت کرد. شکل داد. سازمان داد. تقویت کرد و مراقب بود که به بار بنشیند. همچون نونهالی که کاشته می‌شود.

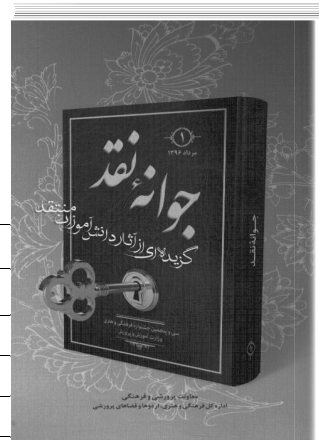
یکی از راه‌های دامن‌زدن به نقدکردن، نقدنویسی است. این آموزش باید از پایه‌های پایین و میانه دوران تعلیم و تربیت آغاز شود. همچون ورزش و بسیاری از عادت‌ها و روش‌های پسندیده که از مدارس نقش می‌گیرد.

جوانه نقد، در این راستا قابل بررسی است و این نوشتار، بر آن است تا یادداشت‌های این مجموعه را بسنجد و نویسندگان این یادداشت‌ها و دیگر دانش‌آموزان و آموزگاران و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش را به پیگیری این راه، تشویق کند.

کلیدواژه: نقد ادبی، دانش‌آموزان منتقد، جایگاه نقد، نقد ساختاری، ساختار و اسلوب نقد، پیش‌نقد، مدارای اجتماعی، مدارای سیاسی، نقدپذیری، دانش‌پذیری

مقدمه

نقد - چنان که معروف است - جداکردن سره از ناسره است. و منتقد (ناقد)، کسی است که دید و توان این جداسازی را دارد. این که نقد به‌مثابه یک متن، از چه روزگاری در ایران پا گرفته‌است و یا این که اصلاً پا گرفته‌است یا نه و چرا؟ به یک جستار تاریخی - جامعه‌شناختی برمی‌گردد، که موضوع این نوشتار نیست. اما تا جایی که به



جوانه نقد ۱: گزیده‌ای از آثار دانش‌آموزان منتقد در
سی‌وپنجمین جشنواره فرهنگی و هنری، مشهد: مؤسسه
فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب، ۱۲۰ صفحه،
۱۲۰۰ نسخه، قطع رقعی.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۶-۰۴۹-۲

نقد به منزله یک رفتار بازخوانی برمی‌گردد، می‌توان درباره عیار نوشته‌های موسوم به نقد که در زمینه‌های علمی و ادبی فراهم می‌شود، نظر داد.

سؤالات فراوانی در حوزه نقد به ذهن می‌رسد، اما این سؤال را می‌توان همین‌جا پاسخ داد که چرا نقد در ایران، جوان است؟ و چرا تاکنون جریان‌های مهم نقد، به راه نیفتاده است؟ آیا ناقد وجود نداشت؟ یا زمینه‌ها و فرصت‌های نقد مهیا نبوده است؟

در یک برداشت کلی باید گفت اگرچه تاریخ ایران همواره با دانش و ادب و فرهنگ تداعی می‌شود، اما چیرگی قدرت‌های مستقر بر دانش و اندیشه و اجتماع، همواره سد راه نقد بوده‌اند. چگونه ممکن است سازوکار اداره جامعه در طول تاریخ هر دوره و دودمان به‌دست فرمانروایی یگانه بوده‌باشد و کسانی توانسته‌اند بر رفتار فرمانروایان، خرده و خللی وارد سازند؟!

این یکی از مهم‌ترین بازدارندگان جامعه باز است. تا چرخ روز و روزگار مردم این‌گونه می‌چرخد، دور است که گمان کنیم نقد پا بگیرد. این روحیه چنان در بن‌لایه‌های اجتماعی رسوخ کرده‌است که کمتر نویسنده و هنروری است که تاب خرده‌گیری و نقد داشته‌باشد. از همین‌روست که آنچه به نام نقد نوشته یا گفته می‌شود، بیشتر در سود و ستایش است و اگر مجال و امنی دست دهد در کتمان و کوبش است و این هر دو، نارواست.

از این سخن درگیریم و آنچه را باید و می‌توان نوشت، در طول این نوشتار خواهیم نوشت.

چند نگاه به کتاب

نگاه اول: کتاب‌شناسی

بنابر آنچه که در صفحه ۵ کتاب از قول مدیر کل فرهنگی و هنری وزارت آموزش و پرورش آمده است، سی و پنج سال است که مسابقات فرهنگی - هنری در سطح دانش‌آموزان کشور برگزار می‌شود. یکی از این مسابقات، مسابقه نقدنویسی است. برای نخستین بار و پس از برگزاری سی و پنجمین مسابقه، نقدهای برگزیده را در مجموعه‌ای با نام *جوانه نقد (۱)* به زیور چاپ آراسته‌اند.

فصلنامه نقد کتاب

نقد و پژوهش

سال پنجم، شماره ۱۸
تابستان ۱۳۹۷

۱۳۳

کتاب در اصل، مجموعه‌ای از یادداشت‌های یکنواخت است که با ساختاری ساده و همگون نوشته شده‌اند. این یادداشت‌های هم‌ساخت و ناهم‌بافت - چنین به نظر می‌رسد که بیشتر - برای آرشپسازِ فعالیت‌های یک نهاد آموزشی و بیلان‌دهی، در یک مجموعه گرد آمده‌اند. بنابر اصول و مبانی علمی نمی‌توان این مجموعه را کتاب نامید. اما با کمی تخفیف می‌توان آن را مجموعه مقالات به حساب آورد. مجموعه مقالاتی که شاکله اصلی آن، وحدت موضوعی است. یعنی ۵۵ نقد با روشمندی یکسان اما با عناوین متفاوت.

مطالب این کتاب برای عموم خوانندگان، مرجعیت و جنبه استناد و ارجاع ندارد. زیرا بیشتر از آن که جنبه‌های علمی و هنری داشته باشند، احساسی و یک‌نوع بروز خلاقیت در نوشتن‌اند. این اندازه از تولید متن در سطح مدارس، برای مربیان و برنامه‌ریزان پرورشی در آموزش و پرورش، ارضاء‌کننده به نظر می‌رسد. مضاف بر این که برای ایجاد علاقمندی و ادامه نوشتن نزد بعضی از دانش‌آموزان که با نوشتن این متن‌ها، شوق مندیشان تلنگر زده شده، مفید خواهد بود.

نگاه دوم: موضوع‌شناسی

نقدهای چاپ‌شده در این کتاب، تنها در دو حوزه شعر و داستان هستند. از این میان، ۳۶ اثر داستانی مورد نقد و بررسی قرار گرفتند که سهمی ۶۵ درصدی را به خود اختصاص داده‌اند و ۱۹ اثر در حوزه شعر که سهم ۳۵ درصدی را دارند. آیا این آمار و ارقام ما را به این واقعیت! نزدیک خواهد کرد که ۶۵ درصد دانش‌آموزان، دوستدار و خواننده آثار داستانی‌اند و شعردوستان و مخاطبان شعر ۳۵ درصد جامعه آماری دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند؟ چه میزان از این درصدها، نتیجه اراده و هدایت مربیان و برگزارکنندگان مسابقه فرهنگی - هنری است؟

به این آمار و ارقام از زاویه دیگری هم می‌توان نگاه کرد و آن ملیت و زبان پدیدآورندگان آثاری است که مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. در این مورد، فقط به دو کتاب *شازده کوچولو*، اثر اگزوپری فرانسوی و *رستاخیز*، نوشته لئون تولستوی روسی می‌رسیم. ترجمه *شازده کوچولو* به تعداد ۸ بار و ترجمه *رستاخیز* نیز یک‌بار

توسط منتقدان انتخاب شده‌اند.

با توجه به این که ۸ نفر بر کتاب شازده کوچولو و یک نفر هم بر داستان رستاخیز تولستوی نقد نوشته‌اند، چنین نتیجه می‌شود که آثار ترجمه‌شده در این مجموعه فقط ۱۷ درصد و آثار تألیفی ۸۳ درصد را شامل می‌شوند.

نکته جالب در مورد کتاب شازده کوچولو این است که هر ۸ نفر از نسخه ترجمه احمد شاملو استفاده کرده‌اند. گویا در کتابخانه مدرسه‌شان، شازده کوچولو فقط از همین مترجم موجود بوده‌است و یا این که برگزارکنندگان مسابقه فقط این ترجمه را معرفی کرده بودند و البته شکل سومی هم قابل تصور است و آن تصادفی بودن این انتخاب است.

امیررضا میرزایی عمران، در نقدی که بر شازده کوچولو نوشته‌است (صص ۲۳-۲۴) دوبار به ترجمه محمد قاضی ارجاع درون متنی داده‌است. البته روشن نیست که علت این کارش چیست؟

داستان شازده کوچولو به قلم چندین نفر به زبان فارسی برگردانده شده‌است که نسخه‌های احمد شاملو و محمد قاضی از بهترین ترجمه‌های این داستان به‌شمار می‌روند.

نگاه سوم: آثارشناسی

۵۵ یادداشت کتاب، بر ۵۵ کتاب یا اثر نوشته نشده‌اند، بلکه همان‌طور که اشاره شد بر بعضی از کتاب‌ها، چندین نفر نقد نوشته‌اند. یعنی ۵۵ دانش‌آموز نقدنویس، ۲۰ عنوان کتاب یا اثر را بررسی کرده‌اند. این کتاب‌ها و آثار به ترتیب عبارتند از:

۱. رفاقت به سبک تانک، داوود امیریان
۲. مجموعه اشعار نیمایوشیج
۳. صدای پای آب، سهراب سپهری
۴. نبرد رستم و اسفندیار (شاهنامه فردوسی)
۵. پروین اعتصامی حکیم بانوی شعر، رحیم چاووش اکبری
۶. مشق بر پوست، هوشنگ مرادی کرمانی
۷. شازده کوچولو، آنتوان سنت اگزوپری
۸. آینه‌های ناگهان، قیصر امین‌پور
۹. دیوان حافظ، شمس‌الدین محمد شیرازی
۱۰. بچه‌های قالیباف‌خانه، هوشنگ مرادی کرمانی
۱۱. رستاخیز، لئون تولستوی
۱۲. دختر سبزآبی، محمدرضا یوسفی
۱۳. مدیر مدرسه، جلال آل احمد

۱۴. گلدسته‌ها و فلک، جلال آل احمد

۱۵. عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی، جمشید خانیان

۱۶. نامیرا، صادق کرم‌یار

۱۷. فصل پنجم؛ سکوت، محمدرضا بایرامی

۱۸. یک شعر بی طاق، افسانه شعبان‌نژاد

۱۹. پرنده من، فریبا وفی

۲۰. هستی، فرهاد حسن‌زاده

فصلنامه نقد کتاب

نقد و پژوهش

سال پنجم، شماره ۱۸
تابستان ۱۳۹۷

۱۳۵

همان‌طور که پیش از این هم گفته شد، امکان دارد که در انتخاب این کتاب‌ها و آثار برای نقد، اراده مربیان پرورشی مدارس و یا کارشناسان برگزاری مسابقه دخالت داشته باشد. در این صورت می‌توان این لیست را نوعی سلیقه‌گرایی تلقی کرد؛ سمت‌وسو دهی به ذائقه و سلیقه نوجوانان و کتابخوانان. آیا این سلیقه‌سازی برای رشد کتابخوانی لازم و مفید است؟

تلفیقی از آثار کلاسیک و معاصر و نویسندگان و شاعران دیروز و امروز در این فهرست دیده می‌شود. آیا در مسابقات سال آینده نیز همین شیوه، پیش گرفته می‌شود؟

نگاه چهارم: بسامدشناسی

پسندیده‌تر آن بود که هر دانش‌آموز منتقد، کتاب منحصر به خود را بازخوانی می‌کرد و مورد ارزیابی قرار می‌داد. اگر چنین می‌شد، دست کم دو فایده را دربرداشت:

نخست آن‌که دانش‌آموزان منتقد، کتاب‌های بیشتری را مطالعه می‌کردند و با این کار، دایره دنیای مطالعاتی‌شان بزرگ‌تر می‌شد. دیگر آن‌که خوانندگان این کتاب با طیف گسترده‌تری از کتاب‌ها و موضوعات آشنا می‌شدند.

از مجموعه ۵۵ نقد، بیش از ۶۰ درصد آن به کتاب‌ها و آثار ۵ نویسنده و یا شاعر پرداخته است. توزیع فراوانی این نقدها به شرح زیر است:

شازده کوچولوی اگزوپری (۸ مورد) با ۱۴/۵ درصد

صدای پای آب سهراب سپهری (۸ مورد) با ۱۴/۵ درصد

داستان‌های شاهنامه فردوسی (۷ مورد) با ۱۲/۷ درصد

داستان‌های جلال آل احمد (۶ مورد) با ۱۱ درصد

داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی (۵ مورد) با ۹/۹ درصد

آیا اقبال منتقدان به آثار، از علاقه و شناخت آن‌ها سرچشمه می‌گیرد یا عوامل دیگری از قبیل در دسترس بودن کتاب‌ها و معرفی و تشویق مربیان در پرداختن به آن‌ها دخالت داشته‌است؟

آیا میان چند نقد که درباره یک کتاب نوشته شده‌اند، گزینشی انجام گرفته‌است؟

به‌عنوان نمونه؛ از مجموع ۸ نقدی که بر کتاب *شازده کوچولو* نوشته شده‌است، کدامیک امتیاز بیشتری دارد؟

همچنین سهم استان‌های کشور در نقدهای برگزیده سی و پنجمین دوره، متفاوت و ناهمگون است.

اصفهان (۵ مورد)، همدان (۵ مورد)، آذربایجان شرقی (۴ مورد)، البرز (۴ مورد)، مازندران (۴ مورد)، مرکزی (۴ مورد)، تهران (۳ مورد)، زنجان (۳ مورد)، یزد (۳ مورد)، آذربایجان غربی (۲ مورد)، سمنان (۲ مورد)، خراسان رضوی (۲ مورد)، زنجان (۲ مورد) و بقیه که همه استان‌ها را دربرنمی‌گیرد، هرکدام یک‌مورد برگزیده داشته‌اند. تهران با وجود امکانات آموزشی، نسبت به اصفهان، همدان، آذربایجان شرقی، مازندران، البرز و مرکزی، برگزیده‌های کمتری دارد!

از ۵۵ دانش‌آموز منتقد که در این کتاب از آن‌ها و نقدشان نام برده شده‌است ۳۱ نفرشان دختر و ۲۴ نفر نیز پسراند. به زبان آماری ۵۶ درصد دختر، ۴۴ درصد پسر. همچنین هر ۵ نفر منتقدان اصفهانی و هر ۵ نفر منتقدان همدانی، دانش‌آموزان دخترند.

نام‌شناسی منتقدان دختر هم نکته دیگری است که ممکن است در انتخاب نقدها توسط داوران تأثیر داشته‌باشد. نام ۴ نفر از برگزیدگان منتقد دختر، زهرا و ۶ نفر نیز فاطمه است.

نگاه پنجم: ساختارشناسی نقد

نقدهای کتاب از دو بخش تشکیل شده‌اند. بخش اول آن با عنوان «پیش‌نقد» نامگذاری شده‌است. پیش‌نقد در حکم مقدمه نقد است. چیزی شبیه مقدمه‌هایی که بسیاری از دانش‌آموزان یاد گرفته‌اند در تمام انشاهایشان بنویسند. تکرار این بخش در تمام نقدها نشانگر قالب و اراده‌ای آموزشی است که توسط مربیان یا برگزارکنندگان مسابقه پیش‌آموزی شده‌است.

پیش‌نقدها معمولاً نیمی از متن نقدها را دربردارند اما در بیشتر نقدها، متن پیش‌نقدها کمتر از نقد اثر است. کمترین حجم پیش‌نقد از آن مهدی امیری (ص ۱۰۹) و نقد کتاب *رفاقت* به سبک *تانک* است که به سه‌سطر نمی‌رسد و بعد از آن به پیش‌نقد امیررضا شریفی (ص ۲۱) اختصاص دارد که کتاب مشّت بر پوست مرادی کرمانی را بررسی کرده‌است. پیش‌نقدهای صفحات ۱۳ و ۷۹ و ۸۱ و ۸۷ و ۱۰۱ و ۱۱۵ نیز حجم کمی دارند.

همچنین کمترین حجم متن در نقد اثر به نوشته آرمان یعقوبی (ص ۲۹-۳۰) برمی‌گردد که در آن به بررسی کتاب *آینه‌های ناگهان* قیصر امین‌پور پرداخته‌است. در این مقاله، منتقد پس از نوشتن چندسطر پیش‌نقد، شعری را آورده و سپس چندسطری

(به اندازه حجم متن پیش نقد) درباره شعر قیصر امین پور توضیح داده است. بیشترین حجم نقد نیز اثر مهدی امیری (صفحات ۱۰۹ و ۱۱۰) است که از دو صفحه کتاب، نزدیک به سه سطر کمتر است. از نشانه‌های دخالت‌های مربیان و آموزگاران در شاکله نقد این دانش‌آموزان، سرفصل‌های «محاسن ظاهری» و «محاسن محتوایی» است که در برخی از متن‌ها وجود دارد.

این نکته نیز یادکردنی است که نثر بیشتر نقدهای این کتاب، نثری متوسط و دانش‌آموزی دارد. این نثر برای مخاطبان و دانش‌آموزان، خواندنی و فهمیدنی است.

نگاه ششم: ارزیابی

بدون آن که قصد غلط‌گیری داشته باشم، برای هر چه بهتر شدن این کتاب در چاپ‌های بعدی (اگر این کتاب، چاپ بعدی هم داشته باشد)، به چند مورد از کاستی‌ها اشاره می‌کنم:

۱. در مقدمه کتاب هیچ اشاره‌ای نشده است که این مسابقات در سطح چه مقطع تحصیلی برگزار شده است؟ آیا این نقدها را دانش‌آموزان دوره راهنمایی نوشته‌اند یا دوره دبیرستان؟ یا هر دو؟

۲. بهتر آن بود که علاوه بر نام و نام خانوادگی منتقد، پایه، رشته تحصیلی، شهر یا منطقه آموزش و پرورش نیز یادآوری می‌شد. زیرا امکانات آموزشی در تمام استان‌ها و مناطق آموزش و پرورش یکسان نیست و همین ناهمسانی امکانات، سطوحی از استعدادها، آموزش‌ها و مهارت‌ها را لاجرم به وجود می‌آورد. این لایه‌بندی امکانات و ماحصل آن، مقالات نابرابری را به دنبال خواهد داشت. به بیانی دیگر، نمی‌توان و نباید انتظار داشت که دانش‌آموزی در روستایی از کهگیلویه و بویراحمد کتابی را بازخوانی و نقد کند که دانش‌آموزی در تهران، اصفهان یا تبریز.

اگر رزومه کوتاهی از منتقدان جوان که نوشته‌هایشان در این کتاب آمده است چاپ می‌شد، متن کتاب جاندارتر جلوه می‌کرد.

۳. محدودیت در ساختار (میدان) نقد.

تمام نقدها در ۲ صفحه خلاصه شده‌اند. این محدودیت، برای کتاب‌های مختلف منطقی به نظر نمی‌رسد. چگونه ممکن است درباره شعر صدای پای آب سهراب سپهری در دو صفحه نوشت و دیوان حافظ را نیز در دو صفحه نقد کرد؟ و یا داستان کوتاه «مدیر مدرسه» و رمان «دختر سبزیابی» را با یک‌میزان از حجم متن و کلمات نقد کرد؟

۴. عدم استفاده از طرح‌ها یا جلوه‌های بصری در فضای خالی بعضی صفحات.

صفحات متن یکسره، چندان خوشایند نیستند، چشم‌ها را خسته می‌کنند. یکی از

راه‌های برون‌رفت از این یکنواختی، کتاب‌آرایی (صفحه‌آرایی) و استفاده از طرح و عکس است.

۵. جای خالی منبع و مأخذ

کتاب *جوانه نقد منبع و مأخذ* ندارد. این تا اندازه زیادی برای یک کتاب نقص محسوب می‌شود. تدوین‌کنندگان کتاب می‌توانستند - و بهتر بود که - مشخصات بیست کتاب (اثری) را که موضوع نقدنویسی دانش‌آموزان قرار گرفته‌بود، در پایان این کتاب بیاورند تا مخاطبان و خوانندگان این نقدها با آن‌ها بیشتر آشنا شوند. شکل کامل‌تری از آنچه در بند «نگاه سوم» این نوشتار آمده‌است. با این تفاوت که نام مترجمان (برای کتاب‌های ترجمه) و نام ناشر و سال انتشار و محل و نوبت چاپ نیز باید به آن افزوده شود.

۶. جای خالی ویرایش

به این عبارت نگاه کنید: «... مؤلف در نقد کتاب، هدف خود را از نوشتن این داستان‌ها، زنده‌کردن یاد و خاطرات گذشته بچه‌های روستا[ها]ی کرمان و دوران قحطی و خشکسالی و فقر و دلالت [فلاکت] جامعه و تبعیض و ظلم و جور حاکمان طاغوت و پهلوی بر رعیت مظلوم، ذکر می‌کند.» (ص ۵۷، پیش‌نقد، سطرهای ۵-۲) واژه‌هایی که در قلاب‌ها آوردم از نقص‌های این عبارت به‌شمار می‌روند.

یا: «... او در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ شمسی در تبریز دیده به جهان گشود و در ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ شمسی تودیع زندگی گفت. با این احتساب او فقط اندکی بیش از سی و چهار سال زندگی کرد و شگفت است که ثمره همین عمر چو گل کوتاه تفکر و تلاش ذهنی و آفرینش هنری است.» (ص ۳۹، پیش‌نقد، سطرهای ۳-۶)

در این عبارت هم - دست کم - دو مشکل وجود دارد:

الف. جمله «تودیع زندگی گفت» و جاهت ادبی ندارد؛ «از دنیا رفت» فارسی‌ترین و رساترین جایگزین برای این جمله است.

ب. «ثمره همین عمر...» رسا نیست، هم برای خواندن روان نیست و هم - به‌خاطر ناروان بودن - فهم عبارت را دشوار می‌کند.

همچنین در متن پیش‌نقد فاطمه قاسم‌پور که برای بررسی داستان *شازده کوچولو* نوشته‌است، می‌خوانیم: «... این داستان برخی از ویژگی‌های سبک سمبولیسم را داراست. طبق مطالعات دکتر منصور ثروت، در کتاب آشنایی با مکتب‌های ادبی، مکتب سمبولیسم پنج ویژگی دارد که عبارتند از: ۱. بدبینی، ۲. تخیل، ۳. اصالت احساسات، ۴. استفاده ویژه از زبان، ۵. رابطه شعر و شاعر» (ص ۸۱، سطرهای ۶-۱۰) هنگامی که سخن سرِ بررسی داستان است، بندهای ۴ و ۵ ویژگی‌های سمبولیسم که اختصاصاً به شعر و شاعری برمی‌گردد، در نقد و بررسی داستان نامربوط به نظر می‌رسد.

این نمونه‌ها و نمونه‌های فراوان دیگر در این کتاب نشان می‌دهد که نقدها و نوشته‌ها، پیش از انتشار در قالب کتاب، می‌بایستی بازخوانی و ویراستاری می‌شدند. ۷. جای خالی نمایه

تدوین‌کنندگان کتاب می‌توانستند و می‌بایست صفحاتی را در پایان این کتاب به نمایه اختصاص می‌دادند. نمایه، جای معرفی نویسندگان، شاعران یا کتاب‌ها و اشخاصی است که کتاب‌ها و آثارشان مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌است. همچنین کتاب‌ها و اشخاصی که در ارجاعات درون‌متنی به آن‌ها اشاره شده‌است. به‌عنوان مثال؛ جلال آل‌احمد، منصور ثروت، حسن میرعبدینی، قیصر امین‌پور، احمد شاملو، کتاب مکتب‌های ادبی، صدسال داستان‌نویسی و ...